

بسم الله الرحمن الرحيم

تدبر در قرآن

سوره مبارکه جن

استاد ضرابی

جلسه هفتم ۱۴۰۲/۱/۷

آیات شریفه: «وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا (۱۹) قُلْ إِنَّمَا أَدْعُو رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا (۲۰) قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا (۲۱) - و همین که بنده خدا برخاست تا او را بخواند چیزی نمانده بود که بر سر وی فرو افتند (۱۹) بگو من تنها پروردگار خود را می خوانم و کسی را با او شریک نمی گردانم (۲۰) بگو من برای شما اختیار زیان و هدایتی را ندارم (۲۱)»

دریدن پندارهای باطل از دین و اولیای خدا!

« وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا »: بر اساس روایت محمد بن مسلم از امام باقر (علیه السلام) عبدالله در این آیه شریفه نام پیامبر اسلام (ص) است؛ امام فرمود: « برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ده نام است؛ پنج نام از آن‌ها در قرآن است و پنج نام دیگر در قرآن نیست. اما نام‌هایی که در قرآن است محمد، احمد، عبدالله، یس و ن است. » (بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۹۶)

علت شدت از دحام، هنگام عبادت پیامبر خدا (ص) به قرینه آیات بعدی این بود که می‌خواستند از ماهیت و حقیقت کار (عبادت) رسول الله (ص) سر در بیاورند و دیگر اینکه بدانند چه فایده و خاصیتی دارد (چه کمکی می‌تواند به آنها بکند) که البته هر دو پرسش برخاسته از فطرت است زیرا موجودات در مواجهه با هر پدیده ای می‌خواهند بدانند که این چیست و چه خواصی دارد.

خداوند متعال برای پاسخگویی به سؤال از ماهیت و حقیقت کار (عبادت) می‌فرماید بگو « قُلْ إِنَّمَا أَدْعُو رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا » حقیقت عبادت من این است که تنها خدا را می‌خوانم و با او شریکی قرار نمی‌دهم و به راستی خلاصه و دقیق‌ترین تعریف از عبادت و حقیقت دین‌داری جز این نیست.

و اما در پاسخ به پرسش دوم در رابطه با فایده و خاصیت عبادت از آنجا که پندارگرایی و گمان باطل یکی از موانع سیر انسان به سوی خداست- همانطور که از مهمترین علل و اسباب طهارت روح و صعود آن به سوی حق، برخوردار بودن از معرفت صحیح است - ، خداوند به پیامبرش دستور می‌فرماید که بگو: « قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا - من مالک نفع و ضرر شما نیستم. » یعنی تصور و توقع شما از من نادرست است.

وز قول بد و فعل بد خود خجلم

یارب زگناه زشت خود منفعلم

تا محو شود خیال باطل ز دلم

فیضی بدلم ز عالم قدس رسان

از مجموعه این آیات فهمیده می‌شود که دین و آیین پیامبران و اولیاء، برای زمینه‌سازی هدایت و سعادت بندگان است و نقش اصلی با خود مردم است که به هدایت و سعادت دست یابند. و اما عوامل سعادت بندگان خدا ، اعم از جن و انس بر اساس قرآن و عترت، ایمان و عمل صالح است البته گاهی تنها عمل صالح به معنای حقیقی کلمه، دربردارنده همه این عوامل محسوب می‌شود که ایمان و تقوا و عوامل دیگر را در خود دارد؛ چنانکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در ضمن حدیثی بر این معنا چنین تأکید می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ وَ بَيْنَ أَحَدٍ شَيْءٌ يُعْطِيهِ بِهِ خَيْرًا أَوْ يَصْرِفُ بِهِ

عَنْهُ شَرًّا إِلَّا الْعَمَلُ الصَّالِحُ لَا يَدْعِي مَدْعٍ وَلَا يَتَمَنَّي مُتَمَنَّ أَنْهُ يَرْجُوا إِلَّا بِعَمَلٍ وَ رَحْمَةٍ وَ لَوْ عَصَيْتُ هَوَيْتُ اللَّهُمَّ هَلْ بَلَغْتُ ثَلَاثًا- ای مردم! میان خدا و بین هیچ کس چیزی نیست که به وسیله آن خیری به کسی برساند یا شری را از او دفع کند مگر عمل صالح [بنابرین] هیچ کس ادعا نکند و آرزو نداشته باشد که اهل نجات است مگر به عمل صالح و رحمت الهی، من هم اگر عصیان پروردگار کنم سقوط خواهم کرد، سپس رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) سه بار این جمله را تکرار فرمود: خداوندا آیا من ابلاغ کردم؟» (الإرشاد، ج ۱، ص ۱۸۲)

و گاهی این عوامل جدا از یکدیگر با تفصیل ذکر گردیده است که مهم‌ترین آنها را می‌توان به این ترتیب بیان نمود:

ایمان و عمل صالح: در قرآن می‌خوانیم: «وَالْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...» انسان‌ها همه در زیان‌اند؛ مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند... (عصر-۱/۳) از ابن عباس نقل است که: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ؛ یعنی ابوجهل». (تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۸، ص ۳۷۰) و ابو هریره می‌گوید: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ... إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ * وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ {قَالَ: هُمْ} عَلَى وَ شِيعَتُهُ- پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ؛ ایشان امیرالمؤمنین (علیه السلام) و شیعیان وی هستند». (تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۸، ص ۳۷۲)

شش چیز بما عطا فرستی
ایمان و امان و تندرستی
علم و عمل و فراخ دستی

تقوا: خدای متعال قرآن را کتاب هدایت تقوایندگان معرفی نموده، ایشان را اهل هدایت و رستگاری می‌داند: «هُدًى لِلْمُتَّقِينَ... أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.» (بقره/۵ و ۲) و مولای متقیان فرمود: «إِنَّ التَّقْوَى مُنْتَهَى رِضَى اللَّهِ مِنْ عِبَادِهِ وَ حَاجَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِنْ أَسْرَزْتُمْ عِلْمَهُ وَ إِنْ أَعْلَنْتُمْ كَتَبَهُ - نهایت خشنودی خداوند از بندگانش و خواسته او از آفریدگانش تقواست، پس تقوا از خداوندی بکنید که اگر پنهان کنید می‌داند و اگر آشکار سازید می‌نویسد» (عیون الحکم و المواعظ، ص ۱۵۴) و نیز فرمود: «إِنَّ لِأَهْلِ التَّقْوَى عِلَامَاتٍ يَعْرِفُونَ بِهَا: صِدْقُ الْحَدِيثِ وَ آدَاءُ الْأَمَانَةِ وَ وِفَاءُ الْعَهْدِ...» تقوایندگان نشانه‌هایی دارند که با آنها شناخته می‌شوند: راستگویی، امانتداری، وفای به عهد و...» (تفسیر العیاشی ج ۲، ص ۲۱۳)

ای درونت برهنه از تقوا
پرده هفت رنگ در مگذار
وز برون جامه ریا داری
تو که در خانه بوریا داری

پایبندی به احکام و حدود الهی: خداوند از جمله اوصاف مؤمنان را چنین ذکر نموده است: «وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ - پاسداران حدود و احکام خدا» (توبه/۱۱۲) و در آیاتی دیگر، وجوب عمل به آن‌ها چنین مطرح نموده است: «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا- این‌ها، حدود و مرزهای الهی است؛ به آن نزدیک نشوید.» (بقره/۱۸۷) پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «حَدُّ يُقَامُ لِلَّهِ فِي الْأَرْضِ أَفْضَلُ مِنْ مَطَرٍ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا- اجرای یک حد الهی در روی زمین بافضیلت تر از باران چهل روز است.» (الوسائل، ج ۲۸، ص ۱۲)

چون خطایی از تو سر زد در پشیمانی گریز
از خطا نادم نگردیدن خطایی دیگر است

وفای به عهد: در قرآن کریم از جمله اوصاف مؤمنین را وفای به عهد شمرده است: «الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ لَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ - آن‌ها کسانی هستند که به عهد الهی وفا می‌کنند و پیمان را نمی‌شکنند.» (رعد/۲۰) رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «أَقْرَبُكُمْ غَدَا مَنِي فِي الْمَوْقِفِ أَصْدَقُكُمْ لِلْحَدِيثِ وَ آدَاكُمْ لِلْأَمَانَةِ وَ أَوْفَاكُمْ بِالْعَهْدِ وَ أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا وَ أَقْرَبُكُمْ مِنَ النَّاسِ- نزدیک ترین شما به من در قیامت، راستگوترین، امانتدارترین، وفادارترین به عهد، خوش اخلاق ترین و نزدیک ترین شما به مردم است» (امالی، طوسی، ص ۲۲۹)

هر که آن جانب اهل وفا نگه دارد

خداش در همه حال از بلا نگه دارد

صداقت: قرآن کریم در بیان آثار معنوی و اخروی راست‌گویی می‌فرماید: «قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ». خداوند می‌گوید: امروز، روزی است که راستی راست‌گویان، به آن‌ها سود می‌بخشد. برای آن‌ها باغ‌هایی از بهشت است که نهرها از زیر [درختان] آن می‌گذرد و تا ابد، جاودانه در آن می‌مانند. هم خداوند از آنان خشنود است و هم آن‌ها از خدا خشنودند. این، سعادت بزرگ است.» (مائده/۱۱۹) امام باقر علیه السلام فرمود: «تَعَلَّمُوا الصِّدْقَ قَبْلَ الْحَدِيثِ». پیش از گفتار (آموختن حدیث) راست‌گویی را بیاموزید» (الکافی: ۴/۱۰۴/۲) و نیز فرمود: «أَلَا فَاصْدُقُوا؛ فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ مَنْ صَدَقَ- هان! راستگو باشید؛ زیرا خداوند با کسی است که راستگو باشد» (بحار الأنوار: ۵۱/۳۸۶/۶۹)

در ظلمت حیرت‌آور گرفتار شوی
خواهی که ز خواب جهل بیدار شوی
در صدق طلب نجات، زیرا که بصدق
شایسته فیض نور انوار شوی
صبر و استقامت: در قرآن می‌خوانیم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ». ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [در برابر مشکلات و هوس‌ها] استقامت کنید و در برابر دشمنان [نیز] پایدار باشید و از مرزها، مراقبت کنید و از خدا بترسید؛ باشد که رستگار شوید.» (آل عمران/۲۰۰) چنان‌که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «أَوْصِيَكُمْ بِخَمْسٍ لَوْ ضَرَبْتُمْ إِلَيْهَا آتَابُ الْإِبِلِ لَكَانَتْ لَذَلِكَ أَهْلًا لَا يَرْجُونَ أَحَدًا مِنْكُمْ إِلَّا رَبَّهُ وَ لَا يَخَافُونَ إِلَّا ذَنْبَهُ وَ لَا يَسْتَحْيِينَ أَحَدًا مِنْكُمْ إِذَا سُئِلَ عَمَّا لَا يَعْلَمُ أَنْ يَقُولَ لَا أَعْلَمُ وَ لَا يَسْتَحْيِينَ أَحَدًا إِذَا لَمْ يَعْلَمْ الشَّيْءَ أَنْ يَتَعَلَّمَهُ وَ عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَ لَا خَيْرَ فِي جَسَدٍ لَا رَأْسَ مَعَهُ وَ لَا فِي إِيْمَانٍ لَا صَبْرَ مَعَهُ - شما را به پنج چیز سفارش می‌کنم که اگر برای آنها شتران را پر شتاب برانید و رنج سفر را تحمل کنید سزاوار است: کسی از شما جز به پروردگار خود امیدوار نباشد، و جز از گناه خود نترسد، و اگر از یکی سؤال کردند و نمی‌داند، شرم نکند و بگوید نمی‌دانم، و کسی در آموختن آنچه نمی‌داند شرم نکند، و بر شما باد به شکیبایی، که شکیبایی، ایمان را چون سر است بر بدن و ایمان بدون شکیبایی چونان بدن بی سر، ارزشی ندارد.» (نهج البلاغه، حکمت ۸۲)

صبر تلخ آمد ولیکن عاقبت
میوه شیرین دهد پر منفعت
توبه: خداوند در سوره نور می‌فرماید: «... وَ تَوَبُّوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ». همگی به سوی خدا باز گردید و به درگاه خدا توبه کنید تا رستگار شوید.» (نور/۳۱) امام رضا (علیه السلام) فرمود: «أَلَيْسَ شَيْءٌ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ مُؤْمِنٍ تَائِبٍ أَوْ مُؤْمِنَةٍ تَائِبَةٍ- چیزی در نزد خدا محبوب‌تر از یک مرد یا یک زن توبه‌کننده نیست.» (سفینه، ج ۱، ص ۱۲۶) و امام زین‌العابدین (علیه السلام) فرمود: «مَنْ أَشْفَقَ مِنَ النَّارِ بَادَرَ بِالتَّوْبَةِ إِلَى اللَّهِ مِنْ ذُنُوبِهِ وَ رَاجَعَ عَنِ الْمَحَارِمِ - کسی که (براستی) از آتش دوزخ می‌ترسد بی‌درنگ از گناهانش به درگاه خداوند توبه می‌کند و از عمل حرام و نابکار خود دست برمی‌دارد.» (تحف العقول، ص ۲۸۹)

افسوس که عمر در بطالت بگذشت

با بار گناه، بدون طاعت بگذشت

فردا که به صحنه مجازات روم

گویند که هنگام ندامت بگذشت

صلی الله علی محمد وآله